



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



امام هادی علیه السلام به روایت اهل سنت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام هادی (ع) به روایت اهل سنت

نویسنده:

کوثر

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام هادی(ع) به روایت اهل سنت
۶ مشخصات کتاب
۶ دودمان امام
۶ کنیه و القاب
۶ والدین امام
۶ ولادت و شهادت امام
۷ رحلت یا شهادت امام
۷ بارگاه امام هادی
۷ فرزندان امام
۸ نص بر امامت امام هادی
۸ جایگاه علمی - معنوی امام
۹ جایگاه امام نزد اهل سنت
۹ اشاره
۹ اسحاق بن ابراهیم طاطری (۲۳۵ ق)
۹ قاضی یحیی بن اکثم (۲۴۲ ق)
۱۰ خطیب بغدادی
۱۰ وصیف الترمکی (۲۵۳ ق)
۱۰ ابن واضع یعقوبی کاتب عباسی (۲۸۴ ق)
۱۰ پاورقی
۱۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام هادی(ع) به روایت اهل سنت

مشخصات کتاب

نویسنده: واحد تحقیقات ماهنامه کوثر

ناشر: ماهنامه کوثر - تابستان ۱۳۸۶، شماره ۷۰

موضوع: امام هادی(ع)

یادداشت: مقاله

دودمان امام

سمعانی (۵۶۲ ق) نسب و دودمان امام را این گونه بیان می‌کند: ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی المعروف بالعسکری. [۱].

کنیه و القاب

نام ایشان «علی» و کنیه آن حضرت ابوالحسن است، [۲] و چون وی در نام و کنیه شبیه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و امام علی بن موسی الرضا (ع) است، به ایشان «ابوالحسن ثالث» نیز می‌گویند. [۳]. القاب آن حضرت، هادی، [۴] متوکل، [۵] ناصح، [۶] متقی، [۷] مرتضی، [۸] فقیه، امین، طیب، متوکل، [۹] تقی، [۱۰] نقی، [۱۱] زکی، [۱۲] فتاح، [۱۳] علوی، حسینی، [۱۴] هاشمی، [۱۵] عسکری [۱۶] است. گرچه برخی معتقدند، لقب «هادی» بین شیعه معروف است [۱۷]، ولی اکثر اهل سنت معروف‌ترین لقب امام را (بین شیعه و اهل سنت) هادی و ابوالحسن عسکری می‌دانند. [۱۸]. برخی دیگر بر این گمان‌اند که لقب «متوکل» مشهورترین لقب امام است که آن حضرت [۱۹] به خاطر شباهت این لقب با اسم متوکل عباسی، اصحاب خود را از به کار بردن لقب «متوکل» در مورد خویش، منع می‌کردند. [۲۰]. با توجه به نهی امام هادی از به کار بردن این لقب در مورد ایشان، چگونه می‌توان این لقب را مشهور دانست؛ چنان که به این نکته شبلیجی اشاره کرده است. [۲۱]. نکته جالبی در لقب «نقی» وجود دارد که خنجی اصفهانی شافعی در این باره می‌گوید: نقی به معنای پاکیزه از جمیع عیوب است و این اشارت است به عصمت و طهارت آن حضرت و پاکیزگی از عیوب حسبی و نسبی، با آنکه آن حضرت نقاوه و برگزیده ائمه عظام و اجداد کرام خود است. [۲۲].

والدین امام

پدر بزرگوارشان امام جواد (ع)، و مادر ایشان امّ ولد [۲۳] است، ولی در نام مادر آن حضرت اختلاف است، بعضی ایشان را «سمانه مغربیه» [۲۴] و برخی دیگر «غزاله» [۲۵] نامیده‌اند. البته برخی دیگر مادر ایشان را «جمانه» مکنّا به ام‌الفضل (دختر مأمون) دانسته‌اند. [۲۶].

ولادت و شهادت امام

درباره تاریخ دقیق ولادت و شهادت امام، سخنان گوناگون گفته شده که به آنها اشاره می‌شود. امام هادی در مدینه متولد شدند

[۲۷] و بیشتر مورخان ولادت امام را به سال ۲۱۴ [۲۸]، برخی دیگر ۲۱۳ [۲۹]، برخی ۲۱۲ [۳۰] و برخی دیگر ۲۲۴ [۳۱] هجری قمری ثبت کرده‌اند. ولادت ایشان را روز یکشنبه، ۱۳ رجب [۳۲] و برخی دیگر روز سه شنبه ۵ رجب [۳۳] و برخی روز عرفه [۳۴] گزارش کرده‌اند. امام در دوران حیات پدر بزرگوارشان شش سال و پنج ماه داشتند و بعد از وفات ایشان نیز تقریباً ۳۳ سال و یک ماه زیستند [۳۵] و در سال ۲۵۴ هجری در شهر سامرا و در دوران حکومت معتز، به شهادت رسیدند و در منزل ایشان در سامرا دفن شدند. [۳۶] اما در تاریخ دقیق شهادت امام و سن آن حضرت اختلاف است. اکثر مورخان تاریخ شهادت امام هادی را روز دوشنبه، ۲۵ جمادی الآخر و در چهل سالگی گزارش کرده [۳۷] و برخی دیگر روز دوشنبه ۲۶ جمادی الآخر یا ۴ جمادی الآخر [۳۸]، روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الآخر [۳۹] و برخی ۳ رجب [۴۰] را تاریخ شهادت امام دانسته و سن امام را ۳۹ سال و ۱۱ ماه [۴۱] و ۱۲ روز و یا بیشتر نیز [۴۲] ثبت کرده‌اند.

رحلت یا شهادت امام

در اینکه آیا ایشان شهید شده و یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، در کلمات اهل سنت سه دیدگاه است. گروهی گفته‌اند امام به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. در مقابل، بعضی دیگر مرگ طبیعی امام هادی (ع) را قطعی ندانسته و با کلماتی همچون «و يقال أنه مات مسموماً» از کنار این مسئله با تأمل و تردید گذشته‌اند. مسعودی (۳۴۶ ق) [۴۳]، سبط بن جوزی (۶۵۴) [۴۴]، شبلنجی شافعی (۱۲۹۸) [۴۵]، علی فکری حسینی قاهری (۱۳۷۲ ق) [۴۶] از جمله این افراد هستند. اما برخی دیگر با قاطعیت، معتقدند که امام به وسیله معتز، مسموم شده است. برخی دیگر واژه «شهادت» را در مورد امام به کار برده‌اند. ابن صباغ مالکی (۸۵۵) گفته: «استشهد فی آخر ملکه (معتز) ابوالحسن...» [۴۷] و فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی شافعی (۹۲۷ ق): «نوشته... الشهید بکید الاعداء...» [۴۸] سید محمد عبدالغفار هاشمی می‌گوید: «وَدَسَّ لَهُ السَّمَّ...» [۴۹]. پس اینکه برخی با قاطعیت «شهادت امام هادی را مخصوص اهل تشیع می‌دانند و معتقدند که از نظر اهل سنت رحلت امام به مرگ طبیعی بوده است» [۵۰]، سخن درستی نیست.

بارگاه امام هادی

در مورد سامرا، محل دفن و بارگاه منور امام هادی (ع)، سخنان اندک ولی شگفت‌آوری بیان شده که به آنها اشاره می‌شود: یاقوت حموی زمانی که مدفونین در سامرا را نام می‌برد، به نام مبارک امام هادی و امام حسن عسکری (ع) که می‌رسد، از آنها با احترام یاد می‌کند و می‌گوید: «و بسامرا قبر الامام علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر و ابنه الحسن بن علی العسکریین...» [۵۱]. وی در جای دیگر از کتاب خود، ذیل منطقه «عسکر سامرا» می‌گوید: «و قد نُسب الیه قوم من الاجلاء منهم علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) یکنی ابا الحسن الهادی... و ابنه الحسن بن علی...» و با احترام از آن دو بزرگوار و امام مهدی (ع) یاد می‌کند. [۵۲]. از معاصرین نیز عبدالغفار هاشمی حنفی درباره مرقد امام می‌گوید: «... و علی مرقده قبه جمیله - رضی الله عنه - و» [۵۳] که امروزه متأسفانه همانند بقیع، از سوی جریان فتنه‌انگیز سلفی، تخریب شده است.

فرزندان امام

اولاد امام هادی (ع) را برخی دو فرزند [۵۴] و بعضی چهار [۵۵] و برخی دیگر بیشتر از چهار نفر دانسته‌اند که عبارت‌اند از: امام ابو محمد امام حسن عسکری (ع)، حسین ابو جعفر محمد، ابو عبدالله جعفر و عالیه که در برخی کتب، عایشه ثبت شده است. [۵۶]. فخر رازی درباره فرزندان امام هادی (ع) می‌گوید: «من الأبناء ستة: أبو محمد الحسن العسکری الإمام (ع) و أبو عبدالله جعفر، و

الحسین (مات قبل آیه بسیر من رأی) و موسی و محمد و هو اکبر أولاده و علی، و اتفقوا علی انّ المعقب من اولاده ابنان: الحسن العسکری الامام (ع) و جعفر الکذاب، و له [امام هادی] من البنات ثلاثه: عائشه و فاطمه و بریهه؛ فرزندان امام هادی عبارت‌اند از: شش پسر و سه دختر به نام‌های امام حسن عسکری، ابو عبدالله جعفر، حسین (که قبل از امام هادی در سامرا رحلت کرد)، موسی، محمد (بزرگ‌ترین فرزند امام هادی) و علی. و تمامی علما اتفاق نظر دارند که نسل امام هادی (ع) از امام حسن عسکری (ع) و جعفر کذاب ادامه پیدا کرد. دختران امام هادی (ع) نیز عایشه، فاطمه و بریهه نام داشتند. [۵۷]. البته از علمای شیعه، افرادی چون امین الاسلام طبرسی، امام هادی را صاحب پنج فرزند دانسته که نام‌های آنان عبارت‌اند از: امام حسن عسکری (ع)، حسین، محمد، جعفر کذاب و دخترشان عالیّه. [۵۸].

نص بر امامت امام هادی

یکی از نکات جالب آن است که در منابع اهل سنت روایاتی نقل شده است که در آن به امامت امام هادی (ع)، از سوی امام جواد تصریح شده است. ابن صباغ مالکی به نقل از ارشاد شیخ مفید می‌نویسد: «قال إسماعیل بن مهران: لما خرج أبو جعفر محمد الجواد من المدینة إلى بغداد بطلبه المعتصم قلت له عند خروجه، جُعِلْتُ فداک، إني أخافُ علیک من هذا الوجه فإلی من الأمر بعدک؟ فبکی حتّی بلّ لحيته ثم التفت إلیّ فقال: الأمر من بعدی لولدی علی؛ [۵۹] إسماعیل بن مهران می‌گوید: زمانی که قرار شد امام جواد به دستور معتصم از مدینه به بغداد راهی شود، خدمت امام رسیدم و گفتم: فدایت شوم، من از این سفری که در پیش دارید، بیمناکم (و نگران شما هستم). بعد از شما امر (امامت) از آن کیست؟ إسماعیل می‌گوید: امام جواد گریست؛ به گونه‌ای که محاسن (شریف) آن حضرت اشک آلود شد، سپس رو به من کرد و فرمود: امر (امامت) از آن فرزندم علی است.»

جایگاه علمی – معنوی امام

این موضوع، در کتب تاریخی - حدیثی اهل سنت به صورت مستقل مطرح نشده و متأسفانه گروهی با بی‌اعتنایی به زندگانی فرزند رسول الله (ص) امام هادی (ع) سعی در کم‌رنگ جلوه دادن آن حضرت داشتند. با این وصف، با توجه به برخی قرائن و شواهد، می‌توان دریافت که میزان نفوذ و جایگاه امام هادی در میان مردم تا چه اندازه عمیق، گسترده و غیر قابل وصف بوده است که جلوه آن در سه منطقه مدینه، بغداد و سامرا است. مسعودی می‌نویسد: یحیی بن هرثمه (مأمور متوکل که مأموریت احضار امام از مدینه به سامرا را داشت) می‌گوید: هنگامی که به مدینه آمدم و قرار شد امام هادی را به سامرا ببرم: «فلما صرّتُ إليها ضجّ أهلها و عجّوا ضجیجاً و عجیجاً ما سمعتُ مثله...» [۶۰]. یعقوبی می‌نویسد: زمانی که امام هادی به یاسریّه (حوالی بغداد) رسیدند، با اینکه ظاهراً ورود امام هادی به آن مکان، با اطلاع قبلی و اعلام عمومی نبوده، والی بغداد، اسحاق بن ابراهیم طاهری، زمانی که به آنجا می‌رسد، با جمعیت پرشوری که برای استقبال از امام هادی (ع) آمده بودند، مواجه می‌شود: «فرأی تشوّق الناس الیه و اجتماعهم لرؤيته...» [۶۱]. یعقوبی هنگام وفات امام و جمعیت حاضر را این گونه گزارش می‌کند: «فلما کثر الناس و اجتمعوا کثر بکاؤهم و ضجّتهم فرّد النعش الی داره». [۶۲]. مسعودی نیز درباره هنگام رحلت امام هادی می‌نویسد: «و سُمِعَ فی جنازته جاریه تقول: ماذا لقینا فی یوم الاثنین قديماً و حديثاً». [۶۳]. جریان بیماری متوکل و پیشنهاد فتح بن خاقان (از نزدیکان متوکل) مبنی بر کمک گرفتن از امام هادی برای شفا گرفتن متوکل و نذر مبلغی هنگام رحلت از سوی مادر متوکل برای امام هادی [۶۴] نیز نشان دهنده این جایگاه والا است. همچون بسیاری قرائن و شواهد، گویای نفوذ معنوی امام هادی (ع) در میان مردم به ویژه در میان مردم سامرا است؛ مردمی که بیشترشان از اهل سنت بودند. علاوه بر اینکه در دستگاه حکومت متوکل نیز افرادی مانند فتح بن خاقان و یا مادر متوکل وجود داشتند که به کرامات امام هادی معتقد بودند. یکی از دلایل اساسی احضار امام از مدینه به سامرا جایگاه ویژه

اجتماعی - سیاسی و نفوذ معنوی امام هادی (ع) در میان مردم بود. یعقوبی می‌نویسد: والی مدینه برای متوکل چنین نوشت: «... و کان عبدالله محمد بن داود الهاشمی قد کتب، يذكر أن قوماً يقولون أنه الامام فشحخص عن المدينة...» [۶۵]. سید محمد عبدالغفار هاشمی حنفی نیز درباره سبب احضار امام می‌گوید: «استدعاه الملك المتوکل من المدينة المنورة حيث خاف علي ملكه و زوال دولته اليه بماله من علم كثير و عمل صالح و سداد رأی و قول حق...» [۶۶]. البته دلیل عمده دیگر، کینه متوکل از امام علی (ع) و آل علی است. سبط بن جوزی در این باره می‌نویسد: «قال علماء السير: و انما اشخصه المتوکل من مدينة رسول الله الي بغداد لأن المتوکل كان يبغض علياً و ذريته...» [۶۷]؛ به اتفاق، مورخین و علمای اهل سنت، متوکل فردی ناصبی و ضد علی ذریه او بوده است. ابن مسکویه، ابن اثیر و ابن وردی هر کدام در تاریخ خود می‌نویسند: «و کان المتوکل شديد البغض لعلی بن ابی طالب (ع) و لاهل بيته و کان يقصد من يبلغه عنه أنه يتولى علياً و اهله بأخذ المال و الدم». [۶۸]. علاوه بر این مطلب، اطرافیان و مشاورین متوکل نیز از کسانی بودند که به ناصبی بودن و بغض امام علی (ع) شهرت داشتند: «ندماء متوکل جماعة قد اشتهروا بالنصب و البغض لعلی». [۶۹]. در مجموع دو علت: نفوذ معنوی - اجتماعی امام هادی در بین مردم و کینه توزی متوکل نسبت به امام علی (ع) و خاندان و پیروان او باعث احضار امام هادی (ع) از مدینه به سامرا شد.

جایگاه امام نزد اهل سنت

اشاره

از نظر علم طبقه شناسی اهل سنت، امام هادی (ع) در طبقه ۲۶ قرار دارد، و با وجود اینکه بعضی از صاحبان صحاح و محدثین بنام اهل سنت، معاصر و هم دوره امام بودند، ولی متأسفانه حدیثی از آن بزرگوار نقل نکرده‌اند. با این حال، وقایعی در جمع فقهای حاضر در نزد متوکل پدید آمد که منجر به ناکامی آنان شد [۷۰] و همین امر، عظمت و مرجعیت تمام و کمال علمی - فقهی امام را اثبات کرد و به نمایش گذاشت؛ به گونه‌ای که بزرگان اهل سنت را به اعتراف درباره عظمت علمی، فقهی، اخلاقی و... امام هادی وادار کرد.

اسحاق بن ابراهیم طاطری (۲۳۵ ق)

امام هادی را از مدینه به طرف سیرَ مَنْ رَأَى احضار کردند. زمانی که به منطقه‌ای به نام یاسرّیه حوالی بغداد رسیدند، اسحاق بن ابراهیم، والی بغداد، استقبال پرشور امام را مشاهده کرد: «فرأی شوق الناس اليه و اجتماعهم لرؤيته...» [۷۱] با اینکه سفر امام با اطلاع قبلی نبود. در جای دیگر آمده، اسحاق به یحیی بن هرثمه که مأمور احضار امام از مدینه به سامرا بود، گفت: «انّ هذا الرجل قد ولده رسول الله و المتوکل من تعلم فان حرضته عليه قتله و کان رسول الله خصمك يوم القيامة...» [۷۲].

قاضی یحیی بن اکثم (۲۴۲ ق)

هنگامی که فقها نزد واثق حضور داشتند، یحیی بن اکثم این سؤال را مطرح کرد که وقتی آدم (ع) به حج رفت، چه کسی سر او را تراشید؟ فقهای مجلس از پاسخ درماندند، واثق به آنها گفت: من کسی که جواب این سؤال را بداند، برای شما حاضر می‌کنم. سپس امام هادی (ع) را به مجلس فراخواند و سؤال یحیی بن اکثم را از آن حضرت پرسید. امام فرمود: همانا پدرم از جدم، از پدرش از جدش نقل فرمود که رسول الله فرمود: جبرئیل مأمور شد تا یاقوتی را از بهشت برای حضرت آدم بیاورد، و آن را بر سر حضرت آدم کشید و موهای ایشان تراشیده شد؛ به گونه‌ای که نور سر حضرت آدم، تمامی اطراف را فرا گرفت. [۷۳].

خطیب بغدادی

خطیب بغدادی می‌نویسد: متوکل، در اوایل خلافت خود به مریضی سختی دچار شد و با خود نذر کرد که اگر از این مریضی نجات یابد، دینارهای زیادی را صدقه بدهد. زمانی که از مریضی جان سالم به در برد، فقها را گرد آورد و از آنها کسب تکلیف کرد که چه مقدار صدقه بدهد. فقها جواب‌های مختلفی ارائه کردند. متوکل دستور داد تا سؤال را به امام هادی (ع) عرضه کنند. امام در پاسخ فرمود: ۳۸ دینار صدقه بدهد. بعضی از فقها از جواب امام شگفت زده شدند و برخی دیگر زبان به اعتراض گشودند و جواب امام را نپذیرفتند. خلیفه شخصی را به سوی امام فرستاد تا علت این حکم را بپرسد. امام فرمود: به این آیه استدلال کردم: خداوند شما مؤمنان را در جنگ‌های بسیاری یاری کرد، و از اهل بیت روایت شده که جریان‌ها، (سربیه‌ها و غزوات) هشتاد و سه و جنگ حنین نیز هشتاد و چهارمین جنگ بوده است. اما با این حال خلیفه در انجام کار خیر هر چه بیشتر پردازد، به نفع او است و در دنیا و آخرت مأجور خواهد بود. [۷۴].

وصیف الترمذی (۲۵۳ ق)

وصیف یکی از فرماندهان و سرداران نظامی بنی عباس بود. زمانی که یحیی بن هرثمه امام را به سامرا آورد، وی را خبردار کرد و او به یحیی بن هرثمه گفت: «والله لئن سقط منه شعرة لا يطالب بها سواك...». هرثمه می‌گوید: «فعبجتُ كيف وافق قوله قول اسحاق». [۷۵].

ابن واضح یعقوبی کاتب عباسی (۲۸۴ ق)

وی بعد از ذکر نسب مطهر امام هادی (ع) و تاریخ وفات ایشان، شدت ناراحتی مردم از فقدان امام را چنین گزارش می‌کند: بعد از خواندن نماز بر جسم مطهر امام، جمعیت آنقدر برای تشییع آمده و دور جنازه جمع شده بودند و آن قدر ضججه و ناله و گریه و زاری می‌کردند که جنازه را به منزل امام بردند و در همانجا دفن کردند. [۷۶] این جریان تکان دهنده، نشانگر نفوذ معنوی و موقعیت اجتماعی امام در مردم و در آن منطقه است.

باورقی

- [۱] الانساب، ج ۴ ص ۱۹۵.
- [۲] همان، ص ۱۹۶.
- [۳] تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۹۵.
- [۴] تتمه المختصر، ج ۱، ص ۳۴۷.
- [۵] تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.
- [۶] مطالب السؤل، ص ۱۴۴.
- [۷] نورالابصار، ص ۳۳۴؛.
- [۸] مطالب السؤل، ص ۱۴۴.
- [۹] نورالابصار، ص ۳۳۴.]
- [۱۰] المختصر فی اخبار البشر، ج ۲، ص ۴۴.

- [۱۱] تذکره الخواص، ص ۳۲۲.
- [۱۲] النعیم المقیم، ص ۴۲۵.
- [۱۳] تاریخ حبیب السیر ج ۲، ص ۹۵.
- [۱۴] سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۱.
- [۱۵] تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶.
- [۱۶] الانساب، ج ۴، ص ۱۹۵.
- [۱۷] تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۳۴۱.
- [۱۸] نورالابصار، ص ۳۳۴.
- [۱۹] مطالب السؤل، ص ۱۴۴.
- [۲۰] همان.
- [۲۱] نورالابصار، ص ۳۳۴.
- [۲۲] وسیله الخادم الی المخدوم، ص ۲۵۷ - ۲۶۲.
- [۲۳] اخبار الدؤل، ص ۱۱۶.
- [۲۴] تذکره الخواص، ص ۳۲۲.
- [۲۵] النعیم المقیم، ص ۴۲۷.
- [۲۶] تاریخ روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۵.
- [۲۷] همان.
- [۲۸] الانساب، ج ۴، ص ۱۹۶.
- [۲۹] مرآة الجنان، ج ۲، ص ۱۱۹.
- [۳۰] النعیم المقیم، ص ۴۲۶.
- [۳۱] النجوم الزاهرة، ج ۲، ص ۴۱۰.
- [۳۲] مرآة الجنان، ج ۲، ص ۱۱۹.
- [۳۳] النعیم المقیم، ص ۴۲۶.
- [۳۴] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.
- [۳۵] مطالب السؤل، ص ۱۴۶.
- [۳۶] تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۲۶.
- [۳۷] تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۲۶.
- [۳۸] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.
- [۳۹] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.
- [۴۰] وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۳.
- [۴۱] النعیم المقیم، ص ۴۳۰.
- [۴۲] مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۳.
- [۴۳] همان.

- [۴۴] تذکرة الخواص، ص ۳۲۴.
- [۴۵] نورالابصار، ص ۳۳۷.
- [۴۶] احسن القصص، ج ۴، ص ۳۰۰.
- [۴۷] الفصول المهمة، ص ۲۸۳.
- [۴۸] وسیلة الخادم الی المخدم، ص ۲۶۱.
- [۴۹] ائمة الهدی، ص ۱۳۶.
- [۵۰] تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۹۵.
- [۵۱] معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۸.
- [۵۲] همان، ص ۱۲۳.
- [۵۳] ائمة الهدی، ص ۱۳۶.
- [۵۴] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.
- [۵۵] الانحاف بحب الاشراف، ص ۳۶۳.
- [۵۶] النعم المقیم، ص ۴۳۱.
- [۵۷] الشجرة المباركة، ص ۷۸.
- [۵۸] اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۲۷.
- [۵۹] الفصول المهمة، ص ۲۷۷.
- [۶۰] مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۴.
- [۶۱] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.
- [۶۲] همان، ص ۵۰۳.
- [۶۳] مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۳.
- [۶۴] تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۹۷.
- [۶۵] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.
- [۶۶] ائمة الهدی، ص ۱۳۶؛ احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۴۵.
- [۶۷] تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.
- [۶۸] تجارب الامم، ج ۴، ص ۱۲۰.
- [۶۹] همان.
- [۷۰] تاریخ بغداد ج ۱۲، ص ۵۶ - ۵۷.
- [۷۱] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.
- [۷۲] تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.
- [۷۳] همان.
- [۷۴] تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶ - ۵۷.
- [۷۵] تذکرة الخواص، ص ۳۲۲.
- [۷۶] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

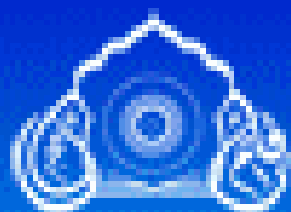
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-IR۹۰-۰۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

